

یادآوری روایت سوسن شریعتی از نسبت «شاندل» با پدرش

# مرز سیال حقیقت و تخیل

تأملی پیرامون مناقشه‌های اخیر درباره شخصیت «شاندل» در آثار علی شریعتی

| نقد و نظر            |
|----------------------|
|                      |
|                      |
| <b>رضا موسوی‌راد</b> |
| جامعه‌شناس           |

مناقشه اخیر درباره دکتر علی شریعتی از جایی آغاز شد که موسی غنی‌نژاد در مناظره‌ای با میلاد دخانچی، در نقد شریعتی صریحاً گفت: «علی شریعتی یک شیاد است». غنی‌نژاد در توضیح این داوری، به ماجرای «شاندل» استناد کرد و مدعی شد شریعتی شخصیتی خیالی ساخته، برای او کتاب،

**محل اختلاف کجاست؟**

هسته اصلی نقد غنی‌نژاد این است که شریعتی برای اثبات یا تقویت برخی از دیدگاه‌های خود، شخصیتی خیالی به نام «شاندل» آفرید؛ شخصیتی که نه تنها نام داشت، بلکه برای او کتاب، ناشر، سال انتشار، زندگی‌نامه و حتی ارجاعات دقیق ساخته شد و همین امر، از نگاه او، مخاطب را به این باور می‌رساند که با متفکری واقعی روبه‌روست. به بیان دیگر، محل نزاع نه اصل استفاده از نام مستعار، بلکه واقعی جلوه دادن شخصیتی است که وجود خارجی نداشته است. در مقابل، پاسخ مدافعان شریعتی این است که شاندل را نباید با معیارهای یک مقاله دانشگاهی یا کتاب مرجع سنجید، بلکه باید آن را در سنت ادبی خلق «پرسونا» و «همراه» فهمید؛ سنتی که در آن، نویسنده بخشی از وجود خود را در قالب شخصیتی دیگر آشکار می‌کند. برای فهم این پاسخ، می‌خواهیم رمزگشایی دختر شریعتی از رابطه شاندل و پدرش را بازخوانی کنیم.

**«شاندل» از کجا آمد؟**

سوسن شریعتی یادداشت خود را با این جمله آغاز می‌کند: «خزیدن زیر نام مستعار، سنتی قدیمی در تاریخ ادبیات، سیاست، ژورنالیسم و… است.» سپس با اشاره به نویسندگان بزرگی چون ولتر، ژژ ساند، استندال، ژرژ اورول و دیگران نشان می‌دهد که استفاده از نام مستعار، پدیده‌ای استثنایی یا منحصر به شریعتی نیست. اما نکته مهم‌تر،

| ایران زمین |
|------------|
|            |

«ایران» از ظرفیت نیروی انسانی متخصص، تأمین قطعات، سرعت ارزیابی‌ها و هماهنگی در هم‌زمان گزارش می‌دهد

**تاب‌آوری یعنی بازگشت ۴۸ ساعته زیرساخت‌ها**



| گزارش |
|-------|
|       |
|       |

**ایران زمین** - نه تخریب پل‌ها و تونل‌های مرکز هم‌زمان، در گذرگاه‌های ورودی و خروجی بندرعباس بن‌بست ایجاد کرد و نه حمله به آب شیرین کن‌ها و نیروگاه‌های تأمین آب شرب کابوس تشنگی را بر سر روستاها و شهرهای هم‌زمان آوار کرد. استان هم‌زمان به دلیل موقعیت راهبردی خود در سواحل خلیج فارس، تمرکز بنادر، تأسیسات انرژی، شبکه‌های حمل‌ونقل و زیرساخت‌های تأمین آب، از مهم‌ترین استان‌های کشور در حوزه زیرساخت‌های حیاتی به شمار می‌رود. هرگونه آسیب به این زیرساخت‌ها می‌تواند علاوه بر تأثیرات محلی، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای در سطح ملی داشته باشد. حملات دشمن به زیرساخت‌های استان هم‌زمان از آب شیرین‌کن‌ها گرفته تا پل‌ها و جاده‌ها هم در راستای همین اهمیت راهبردی است. از این رو، ارزیابی میزان تاب‌آوری زیرساخت‌های استان پس از حملات اخیر، اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از شاخص‌های اصلی تاب‌آوری، سرعت بازگشت خدمات حیاتی

زندگی‌نامه، ناشر و نقل قول نوشته و سپس آرای خود

را به آن شخصیت نسبت داده است؛ از نگاه او، این رفتار صرفاً استفاده از نام مستعار نیست، بلکه نوعی فریب مخاطب است و چنین قضاوت کرد: «شریعتی نه اهل شریعت بود، نه اهل طریقت و نه اهل حقیقت»!

این سخنان واکنش‌های فراوانی در میان پژوهشگران و علاقه‌مندان آثار شریعتی برانگیخت. برخی از منتقدان غنی‌نژاد، با دفاع از میراث فکری شریعتی، استدلال کردند که او میان «نام مستعار» و «شخصیت ادبی» تفاوت نگذاشته و تجربه شریعتی را با معیارهای پژوهش تاریخی سنجیده است. در

برداشت او از کارکرد نام مستعار است. او می‌نویسد: «مقصود اینکه به نام مستعار می‌نویسی تا ندانند، تا دستت رو نشود… خلق پرسونا‌های آلترناتیو برای نویسنده آزادی می‌آورد و تخیلی فعال؛ «یکی دیگر» بودن در عین حال که خودت مانده‌ای، تکثیر خود بی‌آن که از خود گذشته باشی؛ تغییر شخصیت می‌دهی بی‌آنکه از تشخص بفتی؛ فرار از زندانی شدن در منزلگاه‌های هویتی.» به همین دلیل، سوسن شریعتی تأکید می‌کند که «هدف همیشه پنهان‌کردن نیست، میدان‌دادن به تخیل است. از زیر‌وِغ هویت تاریخی خود خارج شدن و خلق هویتی جدید». همین تعبیر، در واقع، شالوده تفسیر او از نسبت شاندل و علی شریعتی است.

**از «شمع» تا «شاندل»**

سوسن شریعتی توضیح می‌دهد که اولین نام مستعار پدرش «شمع» بود؛ نامی که در اوایل دهه ۱۳۳۰، هنگام انتشار شعرهایش در روزنامه خراسان برگزید. او می‌نویسد: «شاندل اما مهم‌ترین و قدیمی‌ترین نام مستعار شریعتی است.» به روایت او، شریعتی جوان که فرزند محمدتقی شریعتی، بنیان‌گذار کانون نشر حقایق اسلامی، بود، برای آن‌که آثارش زیر سایه شهرت پدر داوری نشود، اشعار خود را با نام «شمع» منتشر می‌کرد. بعدها، در دوران اقامت فرانسه، همین نام‌اما در لفظ فرانسوی خود، یعنی «شاندل»، به تدریج به شخصیتی مستقل بدل شد.

سوسن شریعتی یادآوری می‌کند که

### حقیقت‌گویی با شخصیت خیالی

ماجرای شاندل فقط درباره یک شخصیت خیالی نیست؛ بلکه درباره نسبت میان ادبیات و حقیقت، تخیل و مسئولیت و نویسنده و هویت است. شاید

بتوان با استدلال موسی غنی‌نژاد موافق بود یا آن را نپذیرفت، اما امتیاز یادداشت سوسن شریعتی در این است که نه اصل ماجرا را انکار می‌کند و نه می‌کوشد آن را توجیهی ساده‌انگارانه ببخشد؛ بلکه با ارجاع به جهان فکری شریعتی، تفسیر دیگری از آن عرضه می‌کند. او در پایان یادداشت خود می‌نویسد: «همین خصلت در اندیشه و زندگی شریعتی است که شناخت از او را هری‌بار به یک مواجهه شبیه می‌سازد؛ مواجهه با یک غیرمترقبه. انسانی متشابه درست مثل حقیقت.»

شاید همین تعبیر، بهترین جمع‌بندی برای این مناقشه باشد. مسأله اصلی، صرفاً وجود یا عدم وجود شخصیتی به نام شاندل نیست؛ بلکه این پرسش است که آیا «شاندل» تلاشی برای فریب مخاطب بود، یا کوششی برای بیان آن بخش از حقیقت که نویسنده احساس می‌کرد یا نام رسمی قادر به بیانش نیست؛ پاسخ به این پرسش، بیش از آن‌که به داوری درباره علی شریعتی مربوط باشد، به تلقی ما از مرز میان اندیشه و حقیقت بازمی‌گردد.

مقابل، گروهی نیز از نقد غنی‌نژاد دفاع کردند و معتقد بودند حتی اگر خلق شخصیت خیالی در ادبیات سابقه داشته باشد، معرفی آن به‌عنوان مرجع واقعی در آثار فکری، محل اشکال است. دراین میان، شاید مهم‌ترین سند برای فهم خود شریعتی، یادداشتی باشد که سوسن شریعتی در سال ۱۳۹۲ با عنوان «شاندل یا شریعتی» منتشر کرد؛ یادداشتی که تاکنون جامع‌ترین روایت از فلسفه شکل‌گیری شاندل به شمار می‌آید و برخلاف بسیاری از دفاع‌ها، اصل ماجرا را انکار نمی‌کند، بلکه می‌کوشد آن را در جهان فکری شریعتی رمزگشایی کند.

امر، رازآلود بودن شاندل را دوچندان می‌کرد.

**آیا شریعتی آگاهانه شاندل را واقعی نشان داد؟**

پاسخ سوسن شریعتی به این پرسش، برخلاف تصور بسیاری، انکار اصل ماجرا نیست. او نه تنها نمی‌کوشد واقعی جلوه



می‌کند که شاندل فقط درباره یک شخصیت خیالی نیست؛ بلکه درباره نسبت میان ادبیات و حقیقت، تخیل و مسئولیت و نویسنده و هویت است. شاید

بتوان با استدلال موسی غنی‌نژاد موافق بود یا آن را نپذیرفت، اما امتیاز یادداشت سوسن شریعتی در این است که نه اصل ماجرا را انکار می‌کند و نه می‌کوشد آن را توجیهی ساده‌انگارانه ببخشد؛ بلکه با ارجاع به جهان فکری شریعتی، تفسیر دیگری از آن عرضه می‌کند. او در پایان یادداشت خود می‌نویسد: «همین خصلت در اندیشه و زندگی شریعتی است که شناخت از او را هری‌بار به یک مواجهه شبیه می‌سازد؛ مواجهه با یک غیرمترقبه. انسانی متشابه درست مثل حقیقت.»

شاید همین تعبیر، بهترین جمع‌بندی برای این مناقشه باشد. مسأله اصلی، صرفاً وجود یا عدم وجود شخصیتی به نام شاندل نیست؛ بلکه این پرسش است که آیا «شاندل» تلاشی برای فریب مخاطب بود، یا کوششی برای بیان آن بخش از حقیقت که نویسنده احساس می‌کرد یا نام رسمی قادر به بیانش نیست؛ پاسخ به این پرسش، بیش از آن‌که به داوری درباره علی شریعتی مربوط باشد، به تلقی ما از مرز میان اندیشه و حقیقت بازمی‌گردد.



**مسأله اصلی، صرفاً وجود**

**یا عدم وجود**

**شخصیتی به**

**نام شاندل**

**نیست؛ بلکه**

**این پرسش**

**است که آیا**

**«شاندل»**

**تلاشی برای**

**فریب مخاطب**

**بود، یا**

**کوششی برای**

**بیان آن بخش**

**از حقیقت**

**که نویسنده**

**احساس**

**می‌کرد یا نام**

**رسمی خود**

**قادر به بیانش**

**نیست؟**



**از منظر**

**مدیریتی،**

**بازگشت**

**زیرساخت‌ها**

**به مدار**

**خدمت تنها**

**به تعمیر**

**تجهیزات**

**محدود**

**نمی‌شود.**

**موفقیت**

**این فرآیند**

**به عواملی**

**مانند سرعت**

**ارزیابی**

**خسارت،**

**دسترسی به**

**نیروی انسانی**

**متخصص،**

**تأمین قطعات**

**و تجهیزات،**

**هماهنگی**

**بین**

**سازمان‌های**

**مسئول،**

**اطلاع‌رسانی**

**شفاف به**

**شهروندان و**

**اولویت‌بندی**

**صحیح منابع**

**بستگی دارد**



جداگانه منتشر ساخت. منتقدان ادبی، این تجربه را جعل نمی‌دانند، بلکه آن را یکی از مهم‌ترین تجربه‌های ادبی قرن بیستم تلقی می‌کنند.

برداشت سوسن شریعتی از شاندل نیز به چنین سنتی نزدیک است؛ چنان‌که تأکید می‌کند: «هدف همیشه خود خارج شدن و خلق هویتی جدید.» خود خارج کردن نیست، میدان‌دادن به تخیل است. از زیر‌وِغ هویت تاریخی شعر و ادبیات حضور دارند، در حالی که شاندل در آثار فکری و سخنرانی‌های شریعتی نیز ظاهری شود و همین تفاوت، منشأ بخش بزرگی از انتقادهای امروز است.

**پرسشی که همچنان باقی است**

حتی اگر استدلال سوسن شریعتی را بپذیریم و شاندل را صورتی از «همزاد» علی شریعتی بدانیم، پرسش منتقدان همچنان پابرجاست. آیا هنگامی

که شخصیتی خیالی وارد متن‌های نظری می‌شود و برای او کتاب، ناشر، تاریخ انتشار و ارجاعات دقیق ساخته می‌شود، نویسنده می‌تواند وانمود کند که مخاطب با شخصیتی فکری- ادبی روبه‌روست؟ این همان نقطه‌ای است که دو تلقی از حقیقت از یک‌دیگر جدا می‌شوند: یک تلقی، حقیقت را با دقت تاریخی و امانت در ارجاع تعریف می‌کند. تلقی دیگر، حقیقت را تجربه‌ای وجودی می‌داند که گاه فقط از مسیر استعاره، روایت و خلق شخصیت قابل بیان است. یادداشت سوسن شریعتی، هرچند الزاماً فاصله‌گرفته و با دقت تاریخی نیست، اما دست‌کم نشان می‌دهد که خود او شاندل را در افق دوم می‌فهمد.

از کجا معلوم که علی شریعتی نامی مستعار نباشد؟ او در ادامه، کلید فهم این نسبت را نیز به دست می‌دهد: «رسم شریعتی همین است: خود را تکثیرکردن تضمینی است برای آزادی قلم و جدید پاریس را و سپس آرشئو و از همه مهم‌تر خودش.» از همین منظر است که شاندل نه شخصیتی مستقل، بلکه صورتی دیگر از وجود شریعتی تلقی می‌شود؛ همان بخشی از شخصیت او که در قالب نام رسمی‌اش مجال بروز نمی‌یافت. سوسن شریعتی در توضیح این وضعیت، به یکی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های فکری پدرش اشاره می‌کند: «پرسش از «کدام من» و دغدغه «من کدام» هیچ‌وقت او را رها نکرد.» به تعبیر او، همین پرسش، شریعتی را «بنیازمند ترددی آزاد میان تسلسلی از «من»‌های ممکن و مطلوب ساخت.» از این منظر، شاندل بیش از آنکه شخصیتی مستقل باشد، بازتاب همین جست‌وجوی دائمی برای یافتن صورت‌های گوناگون «من» است.

**تجربه‌ای که در ادبیات جهان بی‌سابقه نیست**

در اینجا می‌توان تجربه شریعتی را با یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌های ادبیات جهان مقایسه کرد. فرناندوپسوا، شاعر بزرگ پرتغال، ده‌ها شخصیت مستقل خلق کرد که در نقد ادبی از آنها با عنوان «هترونیم» (Heteronym) یاد می‌شود. هترونیم با نام مستعار تفاوت دارد. نام مستعار فقط امضای دیگر است؛ اما هترونیم، شخصیتی کامل است؛ با تاریخ تولد، سبک نگارش، اندیشه، زبان و حتی زندگی‌نامه مستقل. پسوا برای برخی از این شخصیت‌ها نقد نوشت، آنها را با یک‌دیگر وارد گفت‌وگو کرد و آثارشان را



**تلاقی مسئولان دولتی در میدان خدمت**

در حالی که استان‌های جنوبی کشور زیر فشار آسیب‌های اخیر، روزهای سختی را سپری می‌کنند و فضای آنها به تعبیری، «وضعیت جنگی» به خود گرفته است، حضور میدانی تیم دولت برای بازگرداندن آرامش، تصویری متفاوت از مدیریت بحران را ترسیم کرده است. عمق این بحران میان یک رخداد غیرمنتظره در جاده‌های هم‌زمان، عمق این عزم را بیشتر به نمایش گذاشت. به گزارش ایرنا فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در مسیر سفر خود از غرب به شرق و فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، در مسیر مخالف، در ایستگاه پلیس‌راه «بندر خمیر به بندر لنگه» به یک‌دیگر رسیدند؛ دیداری اتفاقی که نه در اتاق‌های درسته، بلکه در بطن جاده‌های هم‌زمان و در خط مقدم مواجهه با آسیب‌ها رقم خورد.

این تلاقی غیرمنتظره در ایستگاه پلیس‌راه، پیش از آنکه یک دید و بازدید اداری باشد، پیامی گویا برای مردم جنوب داشت که «دولت در میدان است»، در شرایطی که زندگی مردم مورد هجوم مشکلات قرار گرفته، دولت‌مردان از پشت میزهای مدیریتی فاصله گرفته و با د مسیری گذاشته‌اند که هدف نهایی‌اش، بازگرداندن «زندگی» به روال عادی است. مهاجرانی در حاشیه این دیدار تأکید کرد که آنچه مورد حمله قرار گرفته، حریم زندگی مردم است و دولت با تمام توان و با بسیج معاونان رئیس‌جمهور و تیم‌های تخصصی، برای جبران خسارت‌ها به میدان آمده است. این حضور «دست‌درست هم» میان وزرا، نشان از یک «بسیج ملی» برای ترمیم زخم‌های جنوب دارد؛ جایی که هر ساعت تأخیر در خدمات‌رسانی، به معنای تداوم رنج مردم است.

پل‌های آسیب دیده از جنگ در جاده غرب بندرعباس و بندرخمیر یک هفته پس از حمله متجاوزان آمریکایی به زیرساخت‌های استان آسفالت شده و پل‌ها نیز بین ۲ تا چهار ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد. علیرضا محمدی از جنگ اخیر در استان، اظهار کرد: «پل شور مسیر میناب- رودان در مسیررفت تا ۲ ماه آینده و برگشت نیز چهار ماه دیگر به بهره‌برداری می‌رسد.» وی بیان کرد: «اکنون رفت و آمد در کنارگذرهای

آسفالت شده ۲ پل سرزه جاده میناب - رودان نیز برقرار است و این پل‌ها نیز تا ۲ ماه آینده به بهره‌برداری می‌رسد.» معاون راهداری هم‌زمان ادامه داد: «تونل شهید میرزایی جاده بندرعباس - سیرجان در مسیررفت نیز ۱۲ ساعت پس از حمله ارتش متجاوز آمریکا به صورت دو طرفه بازگشایی شد و اکنون رفت و آمد در هردو مسیر (رفت و برگشت) تونل در جریان است و طرح ایمن‌سازی این تونل‌ها درحال اجرا است.»